

بررسی میزان فراوانی شخصیت جامعه ستیزی در دانش آموزان دبیرستانی شهر کرج

مهناز شهبازپور^۱، سیده مریم موسوی^۲، سامره اسدی مجره^۳

دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت ایران

دکتر روانشناسی سلامت، گروه پزشکی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین بررسی میزان فراوانی شخصیت جامعه ستیزی در دانش آموزان دبیرستانی شهر کرج بود. روش پژوهش توصیفی بود. در این پژوهش ۵۲۰ نفر مورد بررسی قرار گرفتند. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان بین ۱۵ تا ۱۸ سال ۴ مدرسه و هنرستان دخترانه دوره متوسط دوم ساکن شهر کرج در سال ۱۴۰۳ به صورت در دسترس تشکیل دادند. سپس دانش آموزان پایه های ۱۰ و ۱۱ مقیاس سایکوپاتی لوینسون و همکاران (۱۹۹۵) را تکمیل کردند. دانش آموزان دارای رفتارهای جامعه ستیز بر اساس یک انحراف معیار بالای میانگین در مقیاس سایکوپاتی لوینسون و همکاران (۱۹۹۵) شناسایی شدند. نتایج آزمون خی دو نشان داد که بین میزان فراوانی جامعه ستیزی در دانش آموزان پایه های مختلف تفاوتی وجود ندارد ($P > 0.05$). آنچه به نظر می رسد این است که فراوانی جامعه ستیزی با اختلاف کمی در پایه دهم بیش از پایه یازدهم بوده است. همچنین بین میزان فراوانی جامعه ستیزی در دانش آموزان رشته های مختلف تفاوتی وجود ندارد ($P > 0.05$). اما بین جامعه ستیزی و ترتیب تولد ارتباط معنی داری وجود دارد.

مقدمه

نوجوانی مرحله بحرانی زندگی است که با رشد و تکامل عمده بیولوژیکی، روانی، عاطفی و اجتماعی مشخص می شود (هسلین^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). در این دوره ی تحول، خطر آسیب پذیری وجود دارد که به مشکلات رفتاری یا اختلال های روانی و شخصیتی منتهی می شود (غلامی، ۱۴۰۱). به عبارت دیگر، هنگامی که نوجوانان نمی توانند بحران ها و چالش های دوره تحول را با موفقیت پشت سر بگذارند، دچار ناتوانی های روانشناختی می شوند و اختلالات گوناگونی را در روند بهنجار زندگی در ابعاد عاطفی، اجتماعی و شناختی تجربه می کنند که متعاقب آن روان و شخصیت را با انواع آشفتگی، مواجه می سازد (دانش^۲، ۲۰۲۰). یکی از این اختلالات جامعه ستیزی^۳ است. مطالعات جامعه ستیزی را به دوران کودکی و نوجوانی تعمیم می دهند، و این امر به طور تصاعدی افزایش یافته است (فانتی و لوردوس^۴، ۲۰۲۰).

جامعه ستیزی با ویژگی های بین فردی (برای مثال جذابیت سطحی ظریف، عاطفی (برای مثال عاطفه سطحی)، سبک زندگی (برای مثال غیرمسئولانه)، و ویژگی های ضد اجتماعی شناسایی می شود (سالکین^۵ و همکاران، ۲۰۲۳). جامعه ستیزی سه ویژگی اصلی دارد: عاطفی، رفتاری و میان فردی. ویژگی های عاطفی شامل سنگدلی و عدم همدلی است. ویژگی های رفتاری شامل گرایش های قانون شکنی و تکانشی است. ویژگی های بین فردی شامل سطحی بینی، بزرگ بینی دروغگویی بیمارگونه و دست انداختن دیگران می باشد (هیر و نیومن^۶، ۲۰۰۸). روی هم رفته یک نمره برش کلی برای جامعه ستیزی معرفی نشده است (بودوشک^۷، ۲۰۲۱). اما بصورت پراکنده و غیر منسجم از طریق بعضی پژوهش های داخلی و خارجی به نتایجی می رسیم. جامعه ستیزی احتمالی در نمونه های جامعه که با استفاده از مصاحبه غربالگری ارزیابی شده اند، در بریتانیا ۰/۶ درصد (۱/۳ درصد مردان، کمتر از ۱ درصد در زنان) و ۱/۲ درصد در ایالات متحده آمریکا (۱/۲ درصد در مردان، ۱ درصد در مردان) برآورد شده است. شایان ذکر است، این تخمین ها به طور قابل توجهی کمتر از شیوع اختلال شخصیت ضد اجتماعی در جمعیت عمومی بزرگسالان در اروپا، آمریکای شمالی، استرالیا و نیوزلند است که در مردان ۵ تا ۶ درصد و در زنان ۱ تا ۲ درصد تخمین زده می شود (دبریتو، ۲۰۲۱). برخی از نشریات علمی هشدار داده اند که درصد قابل توجهی از جمعیت عمومی مبتلا به جامعه ستیزی هستند، درصدی که در برخی مطالعات و در برخی زیرجمعیت ها به ۶ درصد و یا ۲۱٪ هم می رسد (سانز-گارسیا^۸ و همکاران، ۲۰۲۲). در پژوهشی شیوع رفتار های ضد اجتماعی در جمعیت عمومی بین ۰/۲ درصد تا ۳/۰۳ درصد است و در جمعیت های خاصی مانند زندانیان و افرادی که مشکلات سوء مصرف مواد دارند بیشتر است و می تواند تا ۷۰٪ برسد (سوا یا^۹ و همکاران، ۲۰۲۴).

شواهدی که از قابل مشاهده بودن این صفات در کودکان و نوجوانان وجود دارند می توانند به طور قابل اعتمادی خطر ابتلا به این اختلال را همانطور که در بزرگسالان آشکار می شود پیش بینی کنند (لیستراپ^{۱۰}، ۲۰۲۱). نوجوانانی که ویژگی های جامعه

¹ . Heslin

² . Dash

³ . Psychopathy

⁴ . Fanti & Lordos

⁵ . Salekin

⁶ . Hare & Neumann

⁷ . Boduszek

⁸ . Sanz-García

⁹ . Sawaya

¹⁰ . Lystrup

ستیزی دارند به طور غیرقابل وصفی با نوجوانان عادی متفاوت هستند. آنها پردردسر، بد رفتار، پرخاشگر و فریبنده هستند. این نوجوانان در برقراری ارتباط با دیگران یا نزدیک شدن به آنها مشکل دارند و همیشه سعی در سرپیچی از قوانین و صاحبان قدرت دارند (هالتی و پریئو-اورسوا^۱، ۲۰۱۵). نوجوانان با ویژگی‌های جامعه ستیزی بالا نیز با نقایص شدید عاطفی، از جمله هوش هیجانی پایین، کمبود همدلی، کاهش پردازش درد دیگران، واکنش‌های وحشتزدگی اندک به محرک‌های ناخوشایند و با کاهش پردازش حالات چهره ترسناک مشخص می‌شوند (مورر^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). برخی از ویژگی‌های شخصیتی، از جمله پرخاشگری، انتقام جویی، و سردی، می‌تواند تمایل فرد به تسلط اجتماعی را پیش بینی کند، و این نوع انگیزه می‌تواند به طور گسترده بر عملکرد و رفتار بین فردی افراد تأثیر بگذارد (گروسی^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). بر اساس پژوهش‌ها جامعه ستیزی با اختلال‌هایی مانند اختلال شخصیت ضد اجتماعی، سلوک و اختلال نافرمانی مقابله ای مرتبط است (سالکین، ۲۰۲۳).

بر اساس ادبیات پژوهش افراد جامعه ستیز در ارتباطات پایدار بین فردی دچار مشکل هستند (اولدربک^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین ویژگی‌های جامعه ستیزی با رفتارهای اجتماعی پایین‌تر در کودکان و نوجوانان مرتبط است. بیشتر یافته‌های موجود به یک جنبه از جامعه ستیزی، یعنی صفات سنگدلی- بی احساسی^۵ مربوط می‌شود (گروسی و همکاران، ۲۰۲۴). مطالعات انجام شده با نمونه‌های جوان‌تر عمدتاً بر شناسایی مرکزی‌ترین علائم/موارد مهم صفات سنگدلی- بی احساسی و بی رحمی (مانند عدم پشیمانی و احساس گناه، همدلی کم) تمرکز داشته اند (لوپز- رومرو^۶ و همکاران، ۲۰۲۴). افرادی که درجه بالایی از ویژگی‌های جامعه ستیزی دارند، در روابط خود غیرقابل اعتماد هستند و پاسخگو نیستند در نتیجه به داشتن روابط کوتاه مدت ختم می‌شود (کایراندایز^۷، ۲۰۲۳). تعداد دختران نوجوان و زنان بزرگسال در ارتباط با سیستم عدالت کیفری به طور پیوسته در حال افزایش است. علاوه بر این، در سایر محیط‌های سازمانی که ارزیابی اختلال شخصیت و ارزیابی خطر خشونت رایج شده است، زنان تقریباً ۴۰ درصد (بیمارستان‌های بومی) و ۱۰ درصد (بیمارستان‌های روانپزشکی قانونی) از جمعیت را تشکیل می‌دهند (نیکلز^۸ و همکاران، ۲۰۰۵). به علاوه با توجه به این که زنان جامعه ستیزی بالاتری، به‌ویژه از نوع جامعه ستیز ثانویه (بیمارگونه و پرخاشگر) نسبت به مردان جامعه ستیز دارند (فالکن بک^۹ و همکاران، ۲۰۱۶) و ناسازگاری بیشتری نیز از خود انجام می‌دهند (سالکین و همکاران، ۲۰۱۰)، پژوهش در این زمینه ضروری بنظر می‌رسد.

روش پژوهش

ملاکهای ورود به پژوهش شامل؛ سن نوجوانان (۱۵ تا ۱۸ سال)، جنسیت (دختر)، پایه تحصیلی (۱۰ و ۱۱)، رضایت آگاهانه و ملاکهای خروج از پژوهش شامل؛ وجود بیماریهای جسمی و روانی مزمن (از طریق مصاحبه بالینی)، ۲- غیبت بیش از ۳ جلسه، عدم همکاری و پشیمانی نوجوانان، روان درمانی یا دارودرمانی همزمان با این مداخلات. برای گردآوری داده‌ها از ابزار زیر استفاده شد:

مقیاس سایکوپاتی لوینسون^{۱۰} (۱۹۹۵): این پرسشنامه در قالب ۲۶ گویه به منظور بررسی شخصیت جامعه ستیز در نمونه های غیر جنایی و غیر بالینی تدوین شد، سوالات این پرسشنامه با استفاده از طیف لیکرت ۴ درجه ای از بسیار مخالف = ۱ تا بسیار موافق = ۴ نمره گذاری می‌شود. انستیس^{۱۱} و همکاران (۲۰۱۷)، ضریب آلفای کرونباخ آن را برای جامعه ستیزی اولیه و ثانویه به

1. Halty, & Prieto-Ursúa

2. Maurer

3. Grossi

4. OldeOrbak

5. Callous- Unemotional

6. López-Romero

7. Kyranidas

8. Nicolls

9. Falkenbach

10. Levenson

11. Anestis

ترتیب، ۰/۸۳ و ۰/۷۴ محاسبه کردند. غلامی (۱۴۰۱) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶، جامعه ستیزی اولیه، ثانویه و کل مقیاس را ۰/۷۰ گزارش کرد.

نحوه جمع آوری داده ها

پس از اخذ مجوز و معرفی نامه از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد رشت و اخذ کد اخلاق از کمیته ی زیست پزشکی دانشگاه، در دی ماه ۱۴۰۲ به سازمان آموزش و پرورش شهر کرج مراجعه شد و تا مرداد ۱۴۰۳ به طول انجامید. ابتدا چهار مدرسه دخترانه دوره متوسط دوم شهر کرج به صورت در دسترس انتخاب شدند. سپس دانش آموزان پایه های ۱۰ و ۱۱ مقیاس سایکوپاتی لوینسون و همکاران (۱۹۹۵) را تکمیل کردند و دانش آموزان دارای رفتارهای جامعه ستیز بر اساس یک انحراف معیار بالای میانگین در مقیاس سایکوپاتی لوینسون و همکاران (۱۹۹۵) شناسایی، و تعدادی هم توسط اولیای مدرسه معرفی شدند.

یافته ها

در این پژوهش ۵۲۰ نفر مورد بررسی قرار گرفتند. تعداد دانش آموزانی که در هر پایه دارای ویژگی جامعه ستیزی بودند در جدول شماره ۱ آمده است. با توجه جدول شماره-۱ از بین ۵۲۰ دانش آموز دارای تجربه های ، ۱۶/۳٪ پایه دهم، ۲۹/۹٪ پایه یازدهم ۲۹/۸٪ بودند. همچنین میزان شیوع کلی جامعه ستیزی تا ۲۹/۶٪ گزارش شده است. آنچه به نظر می رسد این است که فراوانی جامعه ستیزی با اختلاف کمی در پایه دهم بیش از پایه یازدهم بوده است. داده های جدول شماره-۱ نشان دهنده این است که آزمون خی دو معنادار نیست ($0.05 < 0.1$) بنابراین در میزان شیوع جامعه ستیزی در دانش آموزان پایه های دهم و یازدهم اختلاف معناداری وجود ندارد. همچنین با توجه به جدول شماره-۲ به لحاظ ترتیب فرزندان، میزان شیوع جامعه ستیزی در فرزندان اول ۳۰/۱٪، فرزندان دوم ۳۰/۲٪، فرزندان سوم ۲۷/۹٪ چهارم ۳۷/۵٪ گزارش شده است.

همچنین نتایج نشان داد ۳۴/۸ درصد از دانش آموزان رشته انسانی نشانه های جامعه ستیز دارند. همچنین ۳۴/۲ درصد دانش آموزان رشته تجربی، ۳۱ درصد دانش آموزان پایه رشته ریاضی و ۲۷/۹ درصد دانش آموزان هنرستان دارای ویژگی جامعه ستیزی هستند. نتایج آزمون خی دو نشان داد که بین میزان فراوانی جامعه ستیزی در دانش آموزان رشته های مختلف تفاوتی وجود ندارد ($P > 0.05$).

جدول ۱: توزیع فراوانی جامعه ستیز بر اساس پایه تحصیلی دانش آموزان دوره دبیرستان

سن	فراوانی	درجه	X^2	p
۱۵	۳۳	۲۲	۶/۰۱	۰/۱۱
۱۶	۸۷	۲۷/۴		
۱۷	۴۹	۳۰/۱		
۱۸	۷	۶۳/۶		
کل	۱۷۶	۲۹/۶		

جدول ۲: توزیع فراوانی تجربه های نادرست بر اساس ترتیب تولد در دانش آموزان دوره دبیرستان

ترتیب تولد	فراوانی	درصد	X^2	p
اول	۸۲	۳۰/۱	۰/۵۶	۰/۹
دوم	۶۱	۳۰/۲		
سوم	۱۷	۲۷/۹		

چهارم	۶	۳۷/۵	
-------	---	------	--

جدول ۳: توزیع فراوانی جامعه ستیز دانش آموز با توجه به رشته تحصیلی

رشته	فراوانی	درصد	X^2	ρ
انسانی	۲۳	۳۴/۸	۲/۳۱	۰/۵۱
تجربی	۲۶	۳۴/۲		
ریاضی	۹	۳۱		
هنرستان	۱۱۸	۲۷/۹		

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصد جامعه ستیزی دانش آموزان پایه های ده و یازده

پایه	فراوانی	درصد	X^2	ρ
۱۰	۱۰۱	۲۹/۹	۰/۳	۰/۸۵
۱۱	۷۵	۲۹/۸		

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش بررسی میزان فراوانی جامعه ستیزی در دانش آموزان دبیرستانی شهر کرج بود. یافته های این پژوهش نشان داد که بین جامعه ستیزی و ترتیب تولد ارتباط معنی داری وجود دارد که همسو با پژوهش فوکویا^۱ و همکاران (۲۰۲۱) و جعفری و همکاران (۱۳۸۹) و غیر همسو با (شریف^۲ و همکاران؛ ۲۰۲۱) و (ورتل^۳، ۲۰۲۳) است. ویژگی های جامعه ستیزی و سگدلی- بی عاطفی را می توان در خواهر و برادرها دید و با ترتیب تولد همبستگی دارد (اودودو^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). تأثیر ترتیب تولد بر شخصیت بحث برانگیز بوده است، و می توان آن را به اندازه های مختلف خانواده و به سطح اجتماعی-اقتصادی پایین که منجر به انواع مختلف پویایی خانواده می شود نسبت داد. در ایالات متحده، مشخص شد که کوچکترین افراد برون گرا هستند، که به عنوان عامل محافظتی نسبت به خواهر و برادر بزرگ ترشان در موارد اجتماعی، قاطعیت تر، فعال تر و سرزنده تر بودن مشخص می شوند (دیکسون^۵ و همکاران، ۲۰۰۸). دیدگاه آدلر نسبت به تأثیر ترتیب تولد بر شخصیت افراد در ارتباط با دنیای اطراف انگیزه برای پژوهش در میان پژوهشگران بوجود آورد. اما تعداد کمی از مطالعات به طور خاص تأثیر ترتیب تولد را بر سلامت روان بزرگسالان نوجوان بررسی کرده اند و نتایج اکثر مطالعات ترتیب تولد متناقض و غیر سیستماتیک هستند (ریزال و تارور^۶، ۲۰۱۲).

ترتیب تولد در این پژوهش به ترتیبی اطلاق می شود که یک کودک در خانواده خود به دنیا می آید. تأثیر ترتیب تولد بر شخصیت برای چندین دهه با نتایج بحث برانگیز مورد مطالعه قرار گرفته است (شریف و همکاران، ۲۰۲۱). در تبیین ترتیب تولد و جامعه

¹. Fukuya

². Sharief

³. Vertel

⁴. Odudu

⁵. Dixon

⁶. Risa I& Tharoor.

ستیزی می‌توان گفت که نظریه روانشناسی فردی آدلر از نظریه های روانشناختی شخصیت است که به تاثیر اجتماع و محیط بر رفتار فرد و شکل گیری شخصیت اشاره دارد. آدلر معتقد است که فرد بر اساس سازگاری با محیط زندگی و چگونگی مقابله با مشکلات سبک زندگی خود را می‌سازد (شولتز، ۱۳۷۹). البته عوامل خطر و یا عوامل محافظت کننده نقش مهمی در زندگی فرد ایفا می‌کنند. والدین با بالا بردن آگاهی خود می‌توانند مهمترین عامل محافظت کننده باشند. پژوهشی ابراز می‌دارد والدین می‌توانند بیاموزند که منطبق کودک را درک کنند و چنین روابطی را در خانواده ایجاد کنند که به رشد احساس او در مورد درک، پذیرفته شدن، عشق ورزیدن و شکل گیری اهداف با هدف کمک به دیگران کمک کند (ورتل، ۲۰۲۳). در این پژوهش فرزند سوم کمترین میزان جامعه ستیزی و فرزند چهارم بیشترین میزان جامعه ستیزی را دارد. همانطور که آدلر هم مطرح کرده بود ترتیب تولد در شکل گیری شخصیت و سبک زندگی کودک موثر است. در مورد نوجوانان جامعه ستیز به دلیل داشتن ویژگی سنگدلی بی عاطفی و روابط بین فردی ضعیف، نداشتن علاقه اجتماعی احتمالاً یکی از سبک های زندگی بیمارگون: سبک زندگی سلطه گر یا پرخاشگرانه (انتقامجو) اتخاذ کنند.

اگر بخواهیم از لحاظ جنسیتی موضوع جامعه ستیزی را بررسی کنیم ادبیات پژوهشی بیانگر آن است که ویژگی های سنگدلی- بی عاطفی در دختران و پسران متفاوت ظاهر می‌شوند پژوهش ها سطوح بالاتری از صفات سنگدلی- بی عاطفی را در پسران نسبت به دختران گزارش می‌کنند (فانتی^۱ و همکاران، ۲۰۱۸، لینگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). یک توضیح احتمالی برای این یافته این است که در طول دوره رشد، زنان ممکن است بیشتر از مردان اجتماعی شوند تا روابط گرم، همدلانه و مشارکتی عاطفی- بین فردی اتخاذ کنند (ایگلی^۳، ۲۰۰۹). با توجه به تفاوت های بین زن و مرد، یک مطالعه چندفرهنگی نشان داد که زنان دارای سطوح بالاتری از صداقت، فروتنی، و عاطفه و سطوح نسبتاً بالاتری از وجدان نسبت به مردان بودند، در حالی که مردان دارای سطوح نسبتاً بالاتری از گشودگی و توافق پذیری نسبت به زنان بودند (لی و اشتون^۴، ۲۰۲۰). به ویژه، برخی از مطالعات تجربی شواهدی را به دست آورده اند که جامعه ستیزی در زنان بیشتر با درونی سازی مانند علائم افسردگی، خودآزاری، و خودکشی نسبت به مردان همراه است (بلونینگن^۵ و همکاران، ۲۰۰۵؛ اسپراگ^۶ و همکاران، ۲۰۱۲). از طرفی پژوهشی حاکی از آن است که میزان زندانی شدن دختران به طور کلی در مقیاس جهانی در حال افزایش است، (آلن^۷ و همکاران، ۲۰۲۳). با توجه به یافته های بدست آمده اینطور می‌توان در مورد آنچه که مسلم است عوامل خطر و عوامل محافظتی در مسیر رشد در زندگی هر دو جنس مانند شخصیت فرد، محیط، ژنتیک، و ترتیب تولد موثر می‌باشند.

درمورد افراد جامعه ستیز که سبک زندگی متفاوت دارند و از لحاظ عاطفی و رفتاری متفاوت از انسان های سالم هستند نیاز هست که تحقیقات بیشتری انجام بگیرد. و عواملی که خطر ایجاد جامعه ستیز را افزایش می‌دهند بررسی شود. جامعه ستیزی را باید به صورت ابعادی در نظر گرفت، زیرا ویژگی های جامعه ستیز از لحاظ عاطفی، رفتاری و روابط بین فردی متفاوت است. تحقیقات نتایج متفاوتی درباره ی عوامل موثر بر بوجود آمدن ویژگی های جامعه ستیز نشان می‌دهند و همچنان جا دارد که تحقیقات بیشتری در جوامع مختلف صورت گیرد تا بتوان نزدیک به یقین در این خصوص صحبت کرد. این پژوهش در مدارس کرج انجام شد و تعمیم آن به جوامع دیگر با محدودیت روبرو می‌شود. پیشنهاد می‌شود پژوهش های مشابه در جوامع بیشتری انجام گیرد. این پژوهش بر روی دختران انجام شد، برای بدست آوردن نتایج مطلوبتری توان بر روی دختران و پسران دبیرستانی پایه های ده و یازده انجام داد.

1. Fanti

2. Ling

3. Eagly

4. Lee & Ashton

5. Blonigen

6. Sprague

7. Allen



18th International Conference on
Health, Treatment
and Health Promotion

Direct Place: Twitter/Google
www.iwconf.it

مقدمین کنفرانس بین المللی

پیشانیتم. درمسان و ارتقای سلامت | گرجستان



18th International Conference on Health, Treatment and Health Promotion

مقدمین کنفرانس بین المللی ۱۸ آبان، سال ۱۴۰۲

人

- Heslin, A.M. and McNulty, B., 2023. Adolescent nutrition and health: characteristics, risk factors and opportunities of an overlooked life stage. *Proceedings of the Nutrition Society*, 82(2), pp.142-156.
- Kyranides, M.N., Lu, K.M. and Ten Seldam, S., 2024. Differences in emotional contagion, interpersonal relationships and social rewards in males and females: examining the links with primary and secondary psychopathic traits. *Current Psychology*, 43(1), pp.300-315.
- Levenson, M.R., Kiehl, K.A. and Fitzpatrick, C.M., 1995. Assessing psychopathic attributes in a noninstitutionalized population. *Journal of personality and social psychology*, 68(1), p.151.
- Ling, S., Raine, A. and Gao, Y., 2023. Sex differences in psychopathic traits during early adolescence: The role of heart rate. *Journal of Criminal Justice*, 87, p.102087.
- López-Romero, L., Andershed, H., Romero, E. and Cervin, M., 2024. In Search of Conceptual Clarity About the Structure of Psychopathic Traits in Children: A Network-Based Proposal. *Child Psychiatry & Human Development*, pp.1-14.
- Lystrup, P.T., 2021. *Psychopathic traits in children and adolescents—a systematic review of treatment studies* (Master's thesis, The University of Bergen).
- Maurer, J.M., Anderson, N.E., Allen, C.H. and Kiehl, K.A., 2024. Examining the association between psychopathic traits and fearlessness among maximum-security incarcerated male adolescents. *Children*, 11(1), p.65.
- Nicholls, T.L. and Petrila, J., 2005. Gender and psychopathy: An overview of important issues and introduction to the special issue. *Behavioral Sciences & the Law*, 23(6), pp.729-741.
- Odudu, C., Williams, M. and Campione-Barr, N., 2020. Associations between domain differentiated sibling conflict and adolescent problem behavior. *Journal of Marriage and Family*, 82(3), pp.1015-1025.
- Olderbak, S.G., Geiger, M., Hauser, N.C., Mokros, A. and Wilhelm, O., 2021. Emotion expression abilities and psychopathy. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 12(6), p.546.
- Risal, A. and Tharoor, H., 2012. Birth order and psychopathology. *Journal of family medicine and primary care*, 1(2), pp.137-140.
- Salekin, R. T., Worley, C., & Grimes, R. D. (2010). Treatment of psychopathy: A review and brief introduction to the mental model mpproach for psychopathy. *Behavioral sciences & the law*, 28(2), 235-266.
- Salekin, R.T., Grant, J.C., Bellamy, N.A. and Salekin, T.L., 2023. Psychopathy and conduct disorder. *Encyclopedia of adolescence. Springer Nature*, 10, pp.978-3.
- Sanz-García, A., Peña Fernández, M.E., García-Vera, M.P. and Sanz, J., 2022. Prevalence of psychopathy in a community sample of Spanish adults: Definitions and measurements matter. *Frontiers in Psychology*, 13, p.997303.
- Sharief, S., Shaji, T.A., Soumya, P. and Thomas, S., 2021. The study on personality traits among youngsters based on birth order. *International Journal of Indian Psychology*, 9(1).
- Touma Sawaya, R., Zalzale, H. and Ghossoub, E., 2024. Epidemiology of antisocial personality disorder, psychopathy and other related constructs in Arab countries: A scoping review. *Forensic Science International: Mind and Law*.
- Sprague, J., Javdani, S., Sadeh, N., Newman, J.P. and Verona, E., 2012. Borderline personality disorder as a female phenotypic expression of psychopathy?. *Personality Disorders: Theory, research, and treatment*, 3(2), p.127.
- Vertel, A.V., 2023. The Order of Childbirth in the Family and its Influence on Personality Development (Using the Psychoanalytic Pedagogy of Alfred Adler as an Example). *Вісник Житомирського державного університету імені Івана Франка. Педагогічні науки*, (113), pp.28-37.